

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۸

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۵۶-۳۹

نقد انگاره ادراج زهری در حدیث فدک

علی باجی*

یوسف فرشادنیا**

محمدجواد حاجی ابوالقاسم دولابی***

◀ چکیده

از حقایق مسلم تاریخ اسلام، غضب فدک و غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر و سخن نگفتن آن حضرت با وی تا زمان شهادت است. اما دیرزمانی نیست که شبهه‌ای با عنوان ادراج زهری در روایات مربوط به این غضب، از سوی برخی عالمان سلفی مطرح شده است که روایات غضب آن حضرت بر ابوبکر را از ادراجات زهری دانسته، آن‌ها را مردود اعلام می‌کنند. نوشتار حاضر به روش کتابخانه‌ای و با رویکردی تحلیلی در پی ارزیابی و پاسخ به این شبهه نگاشته شده است. یافته‌ها از آن حکایت می‌کند که برخلاف ادعاهای مطرح‌شده، عبارات غضب و هجران از ادراجات زهری نیست و در غالب متون این روایات، ناقل ماجرای غضب و هجران، عایشه است و خبری از ادراج نیست. علاوه بر آن، ماجرای سخن نگفتن حضرت زهرا علیها السلام و غضب ایشان بر ابوبکر از طریق غیر زهری نیز نقل شده است. اضافه بر آن عالمان اهل سنت ادراج در حدیث را عملی حرام و سبب ساقط شدن راوی از عدالت می‌دانند. همچنین این حدیث را از جمله احادیث دارای ادراج ذکر نکرده بلکه به محتوای آن اعتراف و سعی در توجیه غضب آن حضرت بر ابوبکر کرده‌اند.

◀ **کلیدواژه‌ها:** حضرت زهرا علیها السلام، فدک، ادراج زهری، روایات غضب، ابوبکر.

* دانش‌آموخته سطح سه رشته کلام امامیه، مؤسسه معارف اهل بیت علیهم السلام، قم، ایران، نویسنده مسئول / a.bajy@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم حدیث-تفسیر اثری دانشگاه قم، قم، ایران / farshadnia.yusuf@gmail.com

*** استادیار گروه مذاهب فقهی دانشگاه ادیان و مذاهب و سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران /

sh.javadabolghasemi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۴ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۷

۱. بیان مسئله

یکی از حقایق مسلم تاریخ، غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر و سخن نگفتن ایشان با ابوبکر تا زمان شهادتشان است که یکی از علل آن مسئله غضب فدک و میراث آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله توسط ابوبکر است. بنا بر روایت صحیح بخاری و صحیح مسلم، حضرت زهرا علیها السلام بعد از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ابوبکر رفته، فدک و ارث خود را از او مطالبه نمودند؛ اما ابوبکر با استناد به حدیث «ارث نگذاشتن پیامبران» که ادعا می کرد آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده است، از پس دادن فدک به ایشان خودداری کرد. خودداری ابوبکر از باز پس دادن حق حضرت زهرا علیها السلام، سبب آزار و ناراحتی آن حضرت شد، از این رو بر ابوبکر غضب و با او قهر کردند و تا آخر عمر با او سخن نگفتند؛ چنان که آمده است: «پس فاطمه بدین سبب بر ابوبکر خشم گرفت، پس با او قطع ارتباط کرد و تا زمانی که از دنیا رفت، با ابوبکر صحبت نکرد.» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۳۹؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۸۰) در روایت فوق، بخاری و مسلم به همین اندازه روایت نموده اند؛ اما در منابعی همچون *انساب الاشراف* بلاذری نقل شده است که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام به صراحت فرمودند: «به خدا سوگند من تو را نفرین می کنم.» (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۷۹) حضرت زهرا علیها السلام بعد از این سخن، گریه کنان بیرون رفت و در نهایت هنگامی که از دنیا رفت وصیت نمود که امیرالمؤمنین علیه السلام ابوبکر و عمر را در تجهیز بدنشان باخبر نسازد و در مراسم تجهیز و دفنشان راه ندهد. (همو، بی تا، ج ۳، ص ۳۱۶) خشم حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر بعد از شنیدن حدیث منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل روشنی است که ایشان آن حدیث را ساختگی و جعلی می دانند؛ زیرا اگر ابوبکر را فردی راستگو می دانستند، باید با شنیدن حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله تمکین می کردند و دلیلی نداشت که بر ابوبکر غضبناک شوند و تا روز وفاتشان با او سخن نگویند. پس در واقع، این حدیث زیربنای عدالت جمیع صحابه که از اساسی ترین مبانی اهل سنت است را زیر سؤال می برد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه روایت فدک غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر علاوه بر زیر سؤال بردن عدالت

صحابه، عدم شایستگی ابوبکر برای خلافت را از نظر حضرت زهراء علیها السلام را نیز ثابت می‌کند؛ زیرا بر اساس روایات اهل سنت، کسی که از حاکمش آزرده شده باشد، باید صبر کند. و اگر از سلطانش به اندازه یک وجب دور شود، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۴۷) و حضرت زهراء علیها السلام که سرور زنان اهل بهشت است، قطعاً از ابوبکر آزرده شد و تا آخر حیات مبارکشان بر او خشم داشتند و با او سخن نگفتند. پس باید گفته شود که ایشان ابوبکر را حاکم نمی‌دانستند؛ حال یا باید گفته شود که خلیفه‌ای نداشته‌اند و یا گفته شود خلیفه‌ای غیر از ابوبکر را قبول داشتند. از طرفی دیگر در منابع اهل سنت آمده که اگر کسی بدون بیعت با حاکم زمانش بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. (مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۷۸) حال این سؤال طرح می‌شود که حضرت زهراء علیها السلام با چه کسی به عنوان امام زمان خود بیعت کرده است؟ تنها گزینه‌ای که باقی می‌ماند اعتقاد حضرت زهراء علیها السلام به حاکمیت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. پس به نوعی این روایت بر امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز دلالت می‌کند و از این جهت نیز حائز اهمیت است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه روایت فدک در صحیحین نقل شده است، نقد سندی آن بر اساس مبنای جمهور اهل سنت ممکن نیست.* به همین سبب در سال‌های اخیر برخی از معاصران به جای تضعیف سندی، راه دیگری را در پیش گرفته و ادعا کرده‌اند عبارت «غضب حضرت زهراء علیها السلام و سخن نگفتن با ابوبکر» از ادراجات ابن‌شهاب زهری - راوی روایت - است و با این بهانه سعی کردند اصل این عبارت را مورد تشکیک قرار دهند تا بتوانند آن را از حجیت ساقط نموده، در عین حال لطمه‌ای به صحیح بخاری و صحیح مسلم وارد نکنند.

با توجه به طرح این شبهه توسط مخالفان، وجود یک پاسخ کامل و جامع ضروری می‌نماید. بر همین اساس این نوشتار بر آن است که این شبهه را بررسی و ارزیابی کامل کند و به آن پاسخی جامع ارائه نماید.

۲. مفهوم ادراج

واژه ادراج از نظر لغوی، مصدر باب «افعال»، از ریشه «درج» به معنی داخل کردن در

چیزی و درآمیخته شدن است. (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۶۹) اما معنای ادراج در حدیث چیست؟ ذهبی در این خصوص می نویسد: «ادراج الفاظی است که از بعضی از راویان چسبیده به متن بیان می شود، و برای شنونده مشخص نمی شود که این چیست، جز اینکه آن را داخل حدیث می بیند.» (ذهبی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۳) شهید ثانی نیز در بخش هفتم کتاب الرعاية فی علم الدرایه در خصوص ادراج می نویسد: «کلام راوی در حدیث به گونه ای ضمیمه شده که گمان می رود که سخن، جزئی از متن روایت است.» (عاملی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۴) همچنین شیخ بهایی در کتاب الوجیزه معتقد است که اگر کلام راوی با حدیث آمیخته شود به طوری که بخشی از روایت به شمار آید یا روایاتی که در اسناد و متن، مختلف اند در یک روایت ذکر شوند، آن حدیث مدرج است. (بهایی عاملی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵)

عالمان اهل سنت اقسام گوناگونی برای حدیث مدرج ذکر کرده اند. ذهبی می گوید ادراج گاهی در ابتدای متن حدیث، و گاهی در وسط آن و گاهی در آخر آن واقع می شود. سپس بیان می کند که وقوع ادراج در وسط حدیث بسیار بعید است. (ذهبی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۳)

محدثان اهل سنت، ادراج در حدیث را یک علت قاده دانسته، به این سبب، حدیث مدرج را ضعیف می شمارند. آن ها فعل ادراج را حرام دانسته، راوی را که از روی عمد چنین عملی را در روایت مرتکب می شود به افراد دروغگو ملحق می کنند و آن را عادل نمی شمارند. (سیوطی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۲)

۳. ابن شهاب زهری

محمد بن مسلم بن شهاب زهری (م ۱۲۵ق) یکی از راویان مشهور و پرکار قرن اول و دوم هجری قمری است. وی به این جهت که برخی از اصحاب پیامبر ﷺ را دیده، از تابعان حساب شده است. او در مدینه زندگی می کرد و اهل سنت بر وثاقت و جلالیت او اتفاق نظر دارند. بخاری و استادش علی بن مدینی و ابوداود سجستانی روایات او را تا دو هزار مورد ذکر کرده اند. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۶، ص ۴۲۰) با وجود آنکه ابن شهاب زهری نزد اهل سنت ثقة است، او را متهم به تدلیس در روایات کرده اند. ابن حجر عسقلانی به نقل از شافعی و دارقطنی و دیگران او را در مرتبه سوم از مدلسان قرار داده

است. (عسقلانی، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۴۵) زین الدین عراقی نیز وی را از مدلسین شمرده است. (عراقی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۸۹)

۴. طرح شبهه

شبهه ادراج زهری در روایات غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر بدین صورت آمده است که ماجرای غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر و دوری گزیدن از وی از ادراجات زهری - راوی روایت - است و به همین جهت قابل استناد نیست؛ در این راستا محمد امین هرری (عالم سلفی) معاصر می نویسد: «و این بخش نیز ادراج راوی است و سخن عایشه نیست؛ همان طور که لفظ "قال" در ابتدای جمله بر آن دلالت می کند. پس با بررسی روایات مشخص است که ماجرای غضب و هجران از ادراجات زهری است...» (هرری شافعی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۹، ص ۱۷۵)

در ادامه به ارزیابی و ارائه پاسخ به شبهه فوق پرداخته می شود.

۵. پاسخ به شبهه ادراج زهری

شناخت گزاره مدرج شده در یک حدیث، از دشوارترین کارها در دانش حدیث اهل سنت است. از این رو ابن حجر عسقلانی از عالمان سرشناس اهل سنت می گوید اصل بر این است که هر گزاره‌ای، از متن حدیث است مگر آنکه بر مدرج بودن آن دلیلی ارائه شود. بنابراین شبهه کننده باید دلیل محکمی برای اثبات ادراج در این روایت ارائه بدهد تا سخن وی را در این باره بپذیریم. (عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۹۶)

تنها دلیل شبهه کننده بر ادراج، وجود کلمه «قال» قبل از گزاره یادشده است؛ ولی این دلیل برای اثبات ادراج در حدیث فدک نه تنها کافی بلکه صحیح نیست. در ادامه از چند جهت بطلان این دلیل بیان می شود.

۵-۱. نبود عبارت «قال» از جانب راوی در غالب متون این روایت

با بررسی دقیق روایات مربوط به غضب حضرت زهرا علیها السلام در می یابیم که در بیشتر متن های روایات مربوط به غضب حضرت زهرا علیها السلام کلمه «قال» وجود ندارد و فقط در یک گزارش این عبارت موجود است؛ زیرا روایت فدک و غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر را شش نفر از زهری گزارش کرده اند و تنها در یکی از گزارش ها کلمه «قال» آمده و در پنج گزارش دیگر چنین چیزی نیامده است. در ادامه، شش گزارش بررسی

می شوند:

الف. روایت صالح بن کیسان از ابن شهاب زهری بدون ادراج

صالح بن کیسان مدنی دوسی از طبقه چهارم راویان اهل سنت، و یکی از شاگردان مشهور ابن شهاب زهری است. یحیی بن معین، ابوحاتم رازی، نسائی، ابن خراش و عجللی، او را صریحاً توثیق کرده اند. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۸۳) در گزارش صالح بن کیسان از زهری، غضب حضرت زهراء علیها السلام و هجران و سخن نگفتن با ابوبکر بدون هیچ ادراجی به متن روایت عایشه وصل شده است. بخاری گزارش صالح بن کیسان را این گونه بازگو می کند: «فَقَالَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا نُورَثُ، مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً، فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ، فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ.» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۷۹)

ب. روایت عقیل بن خالد از ابن شهاب زهری بدون ادراج

عقیل بن خالد اموی (م ۱۴۴ق) از شاگردان طبقه اول ابن شهاب زهری است. طبقه اول از شاگردان زهری کسانی هستند که از جهت حفظ و اتقان احادیث از بقیه بالاتر و مدت زیادی را با او همراه بودند. (ابن رجب حنبلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۳) همچنین او از جمله شاگردانی است که الفاظ روایتها را همان گونه که از زهری شنیده است ادا می کرد. (ابن حنبلی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۴۸) احمد بن حنبل، یحیی بن معین، محمد بن سعد، ابوزرعه رازی، ابن حبان، عجللی و نسائی وی را به صراحت توثیق کرده اند. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، ص ۲۴۴) در این گزارش نیز غضب حضرت زهراء علیها السلام و هجران و سخن نگفتن با ابوبکر بدون هیچ ادراجی به متن روایت عایشه وصل شده است. بخاری گزارش عقیل بن خالد را این گونه بازگو می کند: «فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيَّ فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا، فَوَجَدَتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرْتَهُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ.» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۳۹)

پ. روایت شعیب بن ابی حمزة از زهری بدون ادراج

شعیب بن ابی حمزه حمصی (م ۱۲۶ق)، یکی دیگر از شاگردان طبقه اول زهری است. وی نیز مانند عقیل بن خالد همان گونه که الفاظ روایتها را از زهری شنیده بود ادا می کرد. (ابن حنبلی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۴۸) احمد بن حنبل روایت او از زهری را در

نهایت اتقان می‌دانست. (همان، ج ۲، ص ۴۹۶) یحیی بن معین، احمد بن حنبل، عجللی، یعقوب بن شیبه، نسائی، ابن حبان و خلیلی او را به صراحت توثیق کردند. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۲، ص ۵۱۹)

در گزارش شعیب، غضب حضرت زهرا علیها السلام و هجران و سخن نگفتن با ابوبکر بدون هیچ ادراچی به متن روایت عایشه وصل شده است. بخاری روایت شعیب را این‌گونه گزارش می‌کند: «فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيَّ فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا، فَوَجَدْتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرْتُهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُؤَفِّيْتِ». (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۳۹)

ت. روایت ولید بن محمد از ابن شهاب زهری بدون ادراج

ولید بن محمد موقری (م ۱۸۲ق)، یکی دیگر از راویانی است که حدیث فدک را از ابن شهاب زهری نقل کرده است. عالمان اهل سنت این راوی را به شدت تضعیف کرده و وی را متروک الحدیث، ضعیف و حتی کذاب خوانده‌اند. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۳۱، ص ۷۷)

در گزارش ولید بن موقری نیز، غضب حضرت زهرا علیها السلام و هجران و سخن نگفتن با ابوبکر بدون هیچ ادراچی به متن روایت عایشه وصل شده است. ابن شبة نمیری گزارش ولید بن موقری را این‌گونه بازگو می‌کند: «فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيَّ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا مِنْهَا شَيْئًا، فَوَجَدْتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرْتُهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُؤَفِّيْتِ». (نمیری بصری، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷)

این گزارش با توجه به اینکه متن آن با گزارش‌های گذشته، یکسان است، می‌تواند در کنار آن‌ها مؤید و قرینه‌ای بر نبود ادراج در حدیث فدک باشد و ضعف راوی آن ضرری به استدلال ما نمی‌زند.

ث. روایت محمد بن عبدالله بن مسلم از ابن شهاب زهری بدون ادراج

محمد بن عبدالله بن مسلم ابو عبدالله مدنی (م ۱۵۲ق) یکی دیگر از راویان حدیث فدک از زهری است. وی برادرزاده ابن شهاب زهری و از روایان صحیح بخاری و مسلم است. ابوداود سجستانی او را توثیق، و احمد بن حنبل نیز او را ستایش کرده است. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۵، ص ۵۵۶)

در گزارش محمد بن عبدالله نیز، غضب حضرت زهرا علیها السلام و هجران و سخن نگفتن با ابوبکر بدون هیچ ادراجی و بدون فاصل شدن کلمه «قال» به متن حدیث عایشه وصل شده است. حاکم نیشابوری گزارش او را این چنین بازگو می‌کند: «فَقَالَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "لَا تُورِثُ مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً." فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ، فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ، وَ لَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوَفِّيَتْ وَ عَاشَتْ بَعْدَ ذَلِكَ سِنَةً أَشْهُرًا.» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۹ق، ص ۱۲۵)

ج. روایت معمر از ابن شهاب زهری همراه با ادراج

معمر بن راشد ازدی (م ۱۵۴ق) از شاگردان طبقه اول زهری است. عالمان اهل سنت بر ثقه بودن او اتفاق نظر دارند؛ اگرچه ابوحاتم رازی روایت وی در بصره را مشتمل بر غلط دانسته، و برخی از عالمان اهل سنت روایت او از قتاده و برخی دیگر از محدثان اهل سنت را ضعیف شمرده‌اند. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۸، ص ۳۰۳)

گزارش معمر بن راشد تنها گزارشی است که شائبه ادراج دارد. بخاری در صحیح خود، گزارش معمر را این گونه نقل می‌کند: «فَقَالَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا تُورِثُ، مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً، إِنَّمَا يَأْكُلُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ هَذَا الْمَالِ، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَا أَدْعُ أَمْرًا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصْنَعُهُ، إِلَّا صَنَعْتُهُ، قَالَ: فَهَجَرْتَهُ فَاطِمَةُ، فَلَمْ تُكَلِّمَهُ فِي ذَلِكَ، حَتَّى مَاتَتْ.» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۱۴۹)

گزارش معمر بن راشد، با گزارش‌های گذشته، اندکی تفاوت دارد. در گزارش معمر بن راشد به غضب حضرت زهرا علیها السلام اشاره‌ای نشده و تنها به هجران و عدم تکلم با ابوبکر بسنده شده است.

همچنین وجود کلمه «قال» در این گزارش قبل از هجران و عدم تکلم، دستاویزی شده است تا برخی از معاصرین این گزاره را از ادراج زهری بپندارند. با توجه به گزارش‌های متعددی که از زهری شده، روشن گردید که هیچ ادراجی در متن صورت نگرفته است؛ زیرا معمر بن راشد با شاگردان متعدد زهری در این روایت مخالفت کرده و در این سیاق متفرد بوده و کسی او را متابعت نکرده است. به همین دلیل سیاق معمر بن راشد درباره هجران و سخن نگفتن، شاذ بوده و دیگر گزارش‌ها محفوظ و مورد

قبول خواهند بود. چنان‌که عالمان حدیث اهل سنت، احادیث دیگری از معمر را به جهت مخالفت با دیگر شاگردان زهری شاذ خوانده‌اند. (عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۵، ص ۳۱؛ بغدادی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۹۰) این پاسخ در صورتی است که به صورت جدلی بپذیریم گزارش معمر بن راشد دلالت بر ادراج می‌کند.

ولی شاهدی وجود دارد که نشان می‌دهد گزارش معمر بن راشد نیز از هرگونه شائبه ادراجی دور بوده است: مروزی (م ۲۹۲ق) از محدثان برجسته اهل سنت روایت فدک را از معمر از زهری نقل کرده و به جای «قال» کلمه «قالت» آورده است: «قَالَتْ: فَهَجَرْتُهُ فَاطِمَةُ، فَلَمْ تُكَلِّمُهُ فِي ذَلِكَ حَتَّى مَاتَتْ.» (مروزی، بی‌تا، ص ۸۸) از این رو احتمال می‌رود در نقل‌های دیگر - از جمله نقل مورد استناد برای ادراج - تصحیف رخ داده و در واقع در نقل معمر «قالت» بوده است که ضمیر آن به عایشه، راوی خبر برمی‌گردد. در این صورت گزارش معمر بن راشد نیز با دیگر گزارش‌ها یکسان بوده و می‌توان بین آن‌ها را جمع کرد.

۲-۵. سخن نگفتن حضرت زهرا علیها السلام با ابوبکر به روایت ابوهریره

بنا به ادعای شبهه‌کننده، یکی از عبارات‌های مدرج‌شده در روایت فدک، سخن نگفتن حضرت زهرا علیها السلام با ابوبکر بود، درحالی‌که روایتی دیگر به نقل از ابوهریره که در سند آن ابن شهاب زهری وجود ندارد، همین معنا را گزارش کرده است. چنانچه ترمذی نقل می‌کند: «حَدَّثَنَا بِذَلِكَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ عَطَاءٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ فَاطِمَةَ جَاءَتْ أَبَا بَكْرٍ، وَعَمْرٌو، تَسْأَلُ مِيرَاتِهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَتْ: سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنِّي لَا أُوْرَثُ، قَالَتْ: وَاللَّهِ لَا أَكَلِمُكُمْ أَبَدًا، فَمَاتَتْ وَلَا تُكَلِّمُهُمَا.» (ترمذی، بی‌تا، ص ۳۷۹).

در این گزارش که بنا به نظر البانی با سند صحیح نقل شده (همان، ص ۳۷۹) اگرچه به صراحت به غضب و هجران اشاره‌ای نشده است، به سخن نگفتن با ابوبکر و عمر تا روز مرگ تصریح شده است که به روشنی بر غضب و هجران نیز دلالت دارد. بنابراین، روایت مذکور گواه روشنی است بر اینکه غضب و هجران و سخن نگفتن در روایت زهری مدرج نبوده و جزئی از متن حدیث عایشه هستند.

۳-۵. مرسله شعبی دلیلی روشن بر غضب حضرت زهرا علیها السلام

بنا به گزارش شعبی، ابوبکر در لحظات پایانی زندگی آن حضرت، به منزل ایشان رفت و رضایتشان را جلب کرد. (بیهقی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۵۳) ابن شاهین گزارش شعبی را کمی مفصل تر ذکر کرده و در آن به غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر تصریح شده است. (عینی، بی تا، ج ۱۵، ص ۲۰) بیهقی سعی کرده است با این روایت، مشکل اختلاف پیش آمده بین ابوبکر و حضرت زهرا علیها السلام و غضب ایشان بر او را حل کند. ابن حجر عسقلانی (۱۳۷۹ق، ج ۶، ص ۲۰۲) و بدرالدین عینی (بی تا، ج ۱۵، ص ۲۰) نیز از بیهقی پیروی و به این روایت نیز استناد کرده اند.

بدیهی است که گزارش شعبی دلیل و گواه روشنی بر غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر است؛ زیرا جلب رضایت دلیل بر این است که پیش از آن، اختلاف و نزاع و قهری پیش آمده است. اگرچه در گزارشی که ابن شاهین از شعبی نقل کرده، ابوبکر به صراحت اعتراف می کند آن حضرت بر او غضب کرده است. پس غضب و هجران و عدم تکلم نقل شده در روایت زهری، صرفاً برداشت زهری بوده و یک واقعیت است. ناگفته نماند که گزارش شعبی به هیچ وجه اعتباری ندارد؛ زیرا او تابعی بوده و روایتش مرسل است و بنا بر دیدگاه جمهور محدثین اهل سنت، حدیث مرسل فاقد حجیت و اعتبار است. (طحان، ۱۴۲۵ق، ص ۸۹) استناد ما به این روایت نیز از باب قاعده الزام و اثبات اصل غضب بود.

۴-۵. حرمت ادراج در حدیث

عالمان اهل سنت بر حرام بودن ادراج در حدیث اتفاق نظر دارند؛ ولی برخی از آنها هرگونه ادراج در حدیث را به طور مطلق حرام می دانند (عراقی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۱۴) در حالی که برخی دیگر ادراجی را که به منظور شرح و تفسیر یک لفظ از روایت است، جایز شمرده اند. (سیوطی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۲) روشن است که در روایت محل بحث هیچ ادراجی از نوع تفسیر و شرح لفظ صورت نگرفته است. بدین سبب اگر پذیرفته شود در روایت فدک ادراجی صورت گرفته است، به ناچار آن را باید از نوع ادراج حرام و ممنوع بدانیم. در این صورت، هم عدالت ابن شهاب زهری و هم صحت روایات بخاری زیر سؤال می رود که هر دو مورد برخلاف دیدگاه اهل سنت هستند.

۵.۵. عدم انطباق راه‌های شناخت ادراج در حدیث بر حدیث فدک

عالم‌ان اهل سنت راه‌های متعددی را برای شناخت ادراج در حدیث وضع کردند تا بتوانند آنچه را در حدیث ادراج شده است بشناسند. سیوطی در *تدریب الروای چهار* راهکار برای شناخت ادراج در حدیث ذکر کرده است:

۱. عبارت مدرج در روایت دیگری به صورت جداگانه نقل شده باشد.
 ۲. نسبت دادن آن عبارت مدرج شده به رسول خدا ﷺ محال باشد.
 ۳. خود راوی تصریح کند که این عبارت مدرج شده از اوست.
 ۴. یکی از بزرگان در علم حدیث تصریح کند که این عبارت ادراج شده است.
- (همان، ج ۱، ص ۳۱۵)

سه راهکار اول به طور قطع و یقین بر عبارت محل بحث انطباق ندارند. راهکار چهارم نیز منطبق نیست؛ زیرا هیچ‌یک از عالم‌ان و محدثان اهل سنت و شارحان صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتاب‌های حدیثی اهل سنت، به مدرج بودن این عبارت تصریح و اشاره‌ای نکردند.

جالب آن است که برخی از عالم‌ان اهل سنت که احادیث مدرج در کتاب‌های اهل سنت را به صورت کتاب جمع‌آوری کرده، عبارت محل بحث را از جمله عبارت‌های ادراج شده به شمار نیاورده‌اند. خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) اولین عالم اهل سنتی است که احادیث مدرج را در یک کتاب به عنوان *الفصل للوصل المدرج فی النقل جمع‌آوری* کرده ولی حدیث فدک را در این کتاب ذکر نکرده است. بعد از خطیب بغدادی، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) دیگر عالم سرشناس اهل سنت، کتاب خطیب بغدادی را تهذیب کرده و روایات دیگری را که به نظر او دارای ادراج هستند به آن اضافه کرده و نام کتاب خود را *تقریب المنهج بترتیب المدرج نهاده* است. او نیز حدیث فدک را در این کتاب نیاورده است. سیوطی (م ۹۱۱ق) دوباره همان کتاب *تقریب المنهج* را با عنوان *المدرج الی المدرج تهذیب کرد* و احادیث دیگری را به آن اضافه نمود ولی حدیث فدک را ذکر نکرد.

عبدالحمید شیخون محمد، اندیشمند معاصر، رسالهٔ دکتری خویش را به بحث بلاغات و ادراجات زهری در کتب سته اختصاص داده و با ذکر روایات، به دنبال آن

عبارات مُدرَج و تخریج روایت را آورده است. وی اگرچه روایت مربوط به غضب حضرت زهراء علیها السلام را در کتاب خودش ذکر کرده است، عبارات مربوط به غضب و هجران ایشان را جزو بخش مُدرَج روایت نمی‌آورد. و تنها بخشی دیگر از روایت را که مربوط به وفات حضرت زهراست مدرج می‌داند. (شیخون محمد، ۱۴۳۸ق، ص ۱۲۵)

۶-۵. اعتراف علمای اهل سنت به غضب و هجران حضرت زهراء علیها السلام و عدم ادراج

اکثر قریب به اتفاق عالمان بزرگ اهل سنت، در طول تاریخ در برخورد با روایات غضب حضرت زهراء علیها السلام بر ابوبکر و هجران ایشان سعی کرده‌اند که با روشی اختلاف پیش آمده بین حضرت زهراء علیها السلام و ابوبکر و غضب ایشان بر او را حل کنند. بدیهی است که اگر اعتقاد داشتند این عبارت از ادراجات زهری بوده و جزئی از متن روایت نیست، نیاز نبود که این همه تلاش کنند تا توجیهی برای این مشکل بیابند، بلکه کافی بود تصریح شود این عبارت از مدرجات زهری است. از این رو چنانچه گفته می‌شود التأویل فرع التصحیح، توجیه غضب حضرت زهراء علیها السلام توسط عالمان بزرگ اهل سنت دلیل بر پذیرش آن است. در ادامه و برای رعایت اختصار، به نمونه‌هایی از عالمان اهل سنت و سخنان آن‌ها در این باره اشاره می‌شود.

عیاض بن موسی بن عیاض بن عمرو بن سبتی (م ۵۴۴ق) از سرشناس‌ترین عالمان اهل سنت، و شارح صحیح مسلم بدون اینکه اشاره‌ای به ادراج بکند، هجران را جزئی از متن روایت دانسته و سعی کرده تا بین هجران ابوبکر توسط حضرت زهراء علیها السلام و هجران حرام فرق بگذارد. وی در این باره می‌نویسد: «هجران ابوبکر توسط فاطمه علیها السلام به این معناست که ایشان از دیدار با ابوبکر امتناع کرد. و این نوع هجران، از مصادیق هجران حرامی که همراه با ترک سلام و رویگردانی در هنگام دیدار می‌باشد نیست.» (نووی شافعی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۲، ص ۷۳)

همچنین یحیی بن هبیره بن محمد ابومظفر شیبانی (م ۵۶۰ق)، هجران ابابکر توسط حضرت زهراء علیها السلام را صریحاً از روایت عایشه دانسته و در ادامه، هجران و عدم تکلم را به عدم تکلم دربارهٔ میراث تأویل می‌کند؛ چنان‌که می‌نویسد: «اما کلام عایشه که فاطمه

با ابوبکر قهر کرد...» (ابوالمظفر شبلی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۷۳-۷۴)

احمد بن عمر بن ابراهیم قرطبی (م ۶۵۶ق) نیز از جمله شارحان صحیح مسلم است که نخست صحیح مسلم را تلخیص کرده و بعد از آن احادیثی را که مشکل به نظر می‌رسند، در کتابی به نام *المفهم لما اشکل من تلخیص مسلم* شرح داده است. وی نیز با پذیرش غضب و هجران حضرت زهرا علیها السلام تلاش کرده آن را به نحوی توجیه کند. وی در این باره می‌نویسد: «گمان نرود که فاطمه رضی الله عنها ابوبکر را در حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده متهم کرده است. بلکه بر ایشان گران آمد که عمل به قاعده کلی درباره میراث را که در قرآن آمده ترک کند. و اشتباه و سهو را به ابوبکر نسبت داد.» (قرطبی، ۱۹۹۶م، ج ۳، ص ۵۶۸)

یحیی بن شرف ابوزکریا نووی شافعی (م ۶۷۶ق) عالم برجسته اهل سنت و شارح مشهور صحیح مسلم، ضمن پذیرش غضب و هجران، همان توجیه و تأویل عیاض سبتی را در شرح خود به نام *المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج* نقل کرده است. (نووی شافعی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۲، ص ۷۳)

همچنین شمس‌الدین کرمانی (م ۷۸۶ق) از شارحین صحیح بخاری، ضمن آنکه غضب حضرت زهرا علیها السلام را پذیرفته و آن را مقتضای بشریت تلقی کرده، در ادامه در تأویل هجران، سخن عیاض سبتی را برگزیده است. (کرمانی، ۱۹۳۷م، ج ۱۳، ص ۷۵)

اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق)، مورخ و محدث سرشناس اهل سنت، ضمن پذیرش غضب و هجران می‌گوید سبب آن برای من روشن نیست و در ادامه احتمال‌های متعددی را ذکر می‌کند. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۲۴ق، ج ۸، ص ۱۸۹)

ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) دانشمند پرکار و پرآوازه اهل سنت و یکی از برجسته‌ترین شارحان صحیح بخاری، تأویلی دیگر بیان کرده است. وی می‌گوید: غضب حضرت زهرا علیها السلام ناشی از این بود که باور داشتند حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که ابوبکر به آن استناد کرده قابل تأویل است، در حالی که ابوبکر چنین اعتقادی نداشت و به همین دلیل با هم دچار اختلاف شدند. (عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۶، ص ۲۰۲)

احمد بن اسماعیل بن عثمان بن محمد کورانی (م ۸۹۳ق) یکی دیگر از شارحان صحیح بخاری است. وی اعتقاد دارد که هجران ابوبکر توسط حضرت زهرا علیها السلام

مصدق هجران حرام نیست و در ادامه به سخن عیاض سبتی در این باره اشاره می‌کند. (کورانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۱۹)

احمد بن محمد بن ابی بکر قسطلانی (م ۹۲۳ق) از عالمان شناخته شده اهل سنت و شارح صحیح بخاری، ضمن اینکه غضبناک شدن آن حضرت بر ابوبکر را تأیید می‌کند، بر این باور است که هجران ابوبکر توسط حضرت زهرا علیها السلام به این سبب بود که آن حضرت به دلیل مصیبت ارتحال رسول اکرم صلی الله علیه و آله خانه نشین شدند و با ابوبکر ملاقاتی نداشتند. (قسطلانی، ۱۳۲۳ق، ج ۵، ص ۱۹۲)

برخی از معاصران نیز در نگاشته‌های خود، غضب و هجران را مسلم گرفته و سعی در توجیه آن کرده‌اند. (رحیلی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۰۹)

۶. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش که در پاسخ به شبهه مدرج بودن عبارات غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر است عبارت‌اند از:

۱. عالمان اهل سنت راه‌های متعددی را برای شناخت ادراج در حدیث بیان کرده‌اند اما هیچ‌یک از راه‌ها به‌عنوان ملاک درج در حدیث زهری عمل نمی‌کند.

۲. تنها شاهد برای ادراج در این حدیث، وجود کلمه «قال» قبل از سخن عایشه در روایت است؛ اما بررسی‌ها نشان داد که کلمه «قال» در بیشتر متن‌های روایات مربوط به غضب حضرت زهرا علیها السلام وجود ندارد و فقط در یک گزارش این عبارت موجود است؛ که آن‌هم ممکن است تصحیف از کلمه «قالت» باشد که در بعضی روایات نقل شده است.

۳. برخلاف شبهه که ماجرای غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر را حاصل ادراج زهری معرفی کرده است، روایاتی وجود دارند که به طریق دیگری غیر از زهری به‌صراحت این واقعه را بازگو کرده که از جمله این روایات می‌توان به روایت ابوهریره اشاره نمود.

۴. از دلایل دیگر غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر، مرسله شعبی است. بنا به گزارش شعبی، ابوبکر در لحظات پایانی زندگی آن حضرت به منزل ایشان رفت و رضایتشان را جلب کرد. آنچه از این گزارش مسجل می‌شود، غضب حضرت زهرا علیها السلام

بر ابوبکر است؛ زیرا جلب رضایت دلیل بر این است که پیش از آن، اختلاف و نزاع و قهری پیش آمده است.

۵. اکثر قریب به اتفاق عالمان بزرگ اهل سنت، در طول تاریخ در برخورد با روایات غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر و هجران ایشان سعی کرده‌اند که با روشی اختلاف پیش آمده بین حضرت زهرا علیها السلام و ابوبکر و غضب ایشان بر او را حل کنند. بدیهی است که اگر اعتقاد داشتند این عبارت از ادراجات زهری بوده و جزئی از متن روایت نیست، نیاز نبود که این همه تلاش کنند تا توجیهی برای این مشکل بیابند بلکه کافی بود تصریح شود این عبارت از مدرجات زهری است.

۶. با توجه به اینکه عالمان اهل سنت ادراج را حرام می‌دانند، در صورتی که روایت فدک را مدرج بدانیم، عدالت ابن شهاب زهری و صحت روایات بخاری و مسلم زیر سؤال می‌رود.

پی‌نوشت

* شایان ذکر است که برخلاف دیدگاه جمهور اهل سنت، دیدگاه شاذی درباره برخی از روایات صحیحین نیز وجود دارد. شخصیتی مانند ابن‌الجوزی فقط یک روایت از صحیح مسلم را مورد نقد و بررسی سندی قرار داده (نک: عسقلانی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۹۶) و انتقاد و اعتراض عالمان اهل سنت را در پی داشته است. (همان، ص ۱۹۶)

منابع

۱. ابن‌حنبل، ابو عبدالله احمد، *العلل و معرفة الرجال*، تحقیق وصی‌الله بن محمد عباس، الرياض: دار الخانی، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن‌رجب الحنبلی، عبدالرحمن بن احمد، شرح *علل الترمذی*، تحقیق دکتر همام عبدالکریم سعید، ج ۱، الزرقاء - الأردن: دار النشر مكتبة المنار، ۱۴۰۷ق.
۳. ابن‌کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر قرشی، *البدایة والنهایة*، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، بی‌جا: دار هجر للطباعة والنشر والتوزیع والاعلان، ۱۴۲۴ق.
۴. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱، بیروت: صادر دار، ۱۴۱۰ق.
۵. ابوالمظفر شبیبانی، یحیی بن هبیره بن محمد، *الافصاح عن معانی الصحاح*، تحقیق فؤاد عبدالمنعم

- أحمد، ریاض: دار الوطن، ١٤١٧ق.
٦. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل جعفی، صحیح البخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، ج ١، بی جا: دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
٧. بغدادی، احمد بن علی بن ثابت، الفصل للموصل المدرج فی النقل، تحقیق محمد مطر الزهرانی، ج ١، الرياض: دار النشر، دار الهجرة، ١٤١٨ق.
٨. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، أنساب الأشراف، بی جا: دار النشر، بی تا.
٩. —، جمل من أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض الزرکلی، بیروت: دار الفکر، ١٤١٧ق.
١٠. بهایی عاملی، محمد بن حسین، الوجیزه، ترجمه سید محمود مرعشی، بی جا: بی نا، ١٤٠٧ق.
١١. بهیقی، حافظ ابوبکر احمد بن حسین، الاعتقاد والهدایة إلى سبیل الرشاد علی مذهب السلف و أصحاب الحدیث، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ٣، بیروت: دار الآفاق الجديدة، ١٤٠١ق.
١٢. ترمذی، محمد بن علی بن الحسن بن بشر، ابو عبدالله، سنن الترمذی، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ١٩٩٨م.
١٣. ترمذی، محمد بن علی بن الحسن بن بشر، أبو عبدالله، سنن الترمذی، تحقیق ألبانی، ریاض، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، بی تا.
١٤. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله الحاکم محمد بن عبد الله، فضائل فاطمة الزهراء، تحقیق علی رضا بن عبدالله بن علی رضا، ج ١، قاهره-مصر: دار الفرقان، ١٤٢٩ق.
١٥. ذهبی، شمس الدین، الموقظة فی الحدیث، ج ٢، حلب: مكتبة المطبوعات الاسلامیه، ١٤١٢ق.
١٦. رحیلی، ابراهیم بن عامر بن علی، الانتصار للصحب والآل من افتراءات السماوی الضال، ج ٣، عربستان-المدينة المنوره: مكتبة العلوم والحکم، ١٤٢٣ق.
١٧. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، تدریب الراوی، بیروت: مكتبة الكوثر، ١٤١٥ق.
١٨. شیخون محمد، عبدالحمید عبدالرازق، بلاغات ابن شهاب الزهري وإدراجاته فی الكتب الستة، رسالة دكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها شعبة الدراسات الاسلامية كلية الآداب، جامعة الاسكندرية - مصر، إشراف: أ. د/ ناهد أحمد شعراوي، د/ ماجدة أحمد سليمان، ١٤٣٨ق.
١٩. طحان النعیمی، ابو حفص محمود بن أحمد بن محمود، تیسیر مصطلح الحدیث، ج ١٠، بی جا: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، ١٤٢٥ق.
٢٠. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، الرعاية فی علم الدراية، قم: مكتبة آیت الله المرعشی النجفی العامه، ١٤٠٨ق.
٢١. عراقی، ابوالفضل زین الدین عبدالرحیم، ألفیة العراقي المسماة بن التبصرة والتذكرة فی علوم

- الحديث، تحقيق الدائر الفرياطي، رياض-عربستان: مكتبة دار المنهاج للنشر والتوزيع، ۱۴۲۸ق.
۲۲. عسقلاني، ابوالفضل احمد بن علي بن حجر شافعي، تعريف اهل التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس، ج ۱، عمان: مكتبة المنار، ۱۹۸۳م.
۲۳. عسقلاني، ابوالفضل احمد بن علي بن حجر شافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، تحقيق محب الدين الخطيب، بيروت-لبنان: دار المعرفة، ۱۳۷۹ق.
۲۴. عسقلاني، احمد بن علي بن حجر شافعي، القول المسدد في الذب عن المسند للامام أحمد، قاهره: مكتبة ابن تيميه، ۱۴۰۱ق.
۲۵. عيني، بدرالدين، عمدة القاري في شرح البخاري، بيروت-لبنان: دار احياء التراث العربي، بی تا.
۲۶. قرطبي، احمد بن عمر بن ابراهيم، المفهم لما اشكل من تلخيص مسلم، دمشق: دار ابن كثير، ۱۹۹۶م.
۲۷. قسطلاني، احمد بن محمد بن ابي بكر بن عبدالمك، إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري، ج ۷، مصر: المطبعة الكبرى الأميرية، ۱۳۲۳ق.
۲۸. کرمانی، شمس الدين، الكوكب الدراري في شرح صحيح البخاري، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۹۳۷م.
۲۹. کورانی، احمد بن اسماعيل بن عثمان بن محمد، الكوثر الجارى إلى رياض أحاديث البخاري، ج ۱، بيروت-لبنان: دار إحياء التراث العربي، ۲۰۰۸م.
۳۰. مروزي، احمد بن علي بن سعيد، مسند أبي بكر الصديق، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت-لبنان: المكتب الاسلامي، بی تا.
۳۱. مزى، يوسف بن الزكى عبدالرحمن ابوالحجاج، تهذيب الكمال، تحقيق دكتور بشار عواد معروف، ج ۱، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق.
۳۲. مسلم نيشابورى، مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۳۳. نمیری بصری، ابوزيد عمر بن شبة، تاريخ المدينة المنوره، تحقيق فهيم محمد شلتوت، جده-عربستان، طبع على نفقة: السيد حبيب محمود أحمد، ۱۳۹۹ق.
۳۴. نووی شافعی، محیی الدين ابوزکریا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام، شرح النووى على صحيح مسلم (المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج)، ج ۲، بيروت-لبنان: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۹۲ق.
۳۵. هَرَرَى شافعی، محمد الأمين بن عبدالله أرمی، الكوكب الوهاج شرح صحيح مسلم (الكوكب الوهاج والرؤوض البهّاج في شرح صحيح مسلم بن الحجاج)، تحقيق گروهی از پژوهشگران به

۵۶ □ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

سرپرستی پرفسور هاشم محمدعلی مهدی، ج ۱، مکه مکرمه - عربستان: دار المنهاج؛ دار طوق النجاة، ۱۴۳۰ق.